



«حلقات»

درس ۱۸

استاد: حجت‌الاسلام و المسلمین علم الهدی
آموزشیار: آقای عطایی

گفته شد که اصولیون برای اثبات حجیت خبر واحد به کتاب، سنت و عقل استدلال کرده‌اند. تاکنون با استدلال به کتاب و بخشی از مباحث مرتبط با استدلال به سنت آشنا شده‌ایم.

شهید صدر (ره) در ابتدای مباحث مربوط به سنت، گفتند که دو راه برای اثبات وجود سنت در تأیید تبعیت از خبر واحد وجود دارد. یکی از آنها اخبار قطعی الصدوری بود که دلالت بر این مدعا می‌کرد و در درس‌های گذشته به بحث و بررسی پیرامون آنها پرداختیم. دومین راه که در این درس، بررسی آن را آغاز می‌کنیم، استناد به سیره‌هایی است که مورد ردع معصوم قرار نگرفته‌اند و می‌توانند دلیلی برای حجیت خبر واحد باشند.

متن درس

و الطريق الآخر لإثبات السنة هو السيرة و ذلك بتقريبين.

الأول: الاستدلال بسيرة المتشرعة من أصحاب الأئمة ع لى العمل باخبار الثقات و قد تقدم فى الحلقة السابقة بيان الطريق لإثبات هذه السيرة، كما تقدم كيفية استكشاف الدليل الشرعى عن طريق السيرة سواء كانت سيرة أولئك المتشرعة على ما ذكرناه بوصفهم الشرعى، أو بما هم عقلاء.

الثانى: الاستدلال بسيرة العقلاء على التعويل على اخبار الثقات، و ذلك ان شأن العقلاء - سواء فى مجال أغراضهم الشخصية التكوينية، أو فى مجال الأغراض التشريعية و علاقات الآمرين بالمأمورين - العمل بخبر الثقة، و الاعتماد عليه، و هذا الشأن العام للعقلاء يوجب قريحة، و عادة لو ترك العقلاء على سجيتهم لأعملوها فى علاقاتهم مع الشارع، و لعولوا على اخبار الثقات فى تعيين أحكامه و فى حالة من هذا القبيل لو ان الشارع كان لا يقر حجية خبر الثقة لتعين عليه الردع عنها حفاظاً على غرضه، فعدم الردع حينئذٍ معناه التقرير و مؤداه الإمضاء.

راه‌های استدلال به سیره برای اثبات حجّیت خبر واحد

برای این منظور دو راه وجود دارد:

۱. استدلال به سیره متشرّعه

طبق شواهد معتبر، اعتماد و عمل به اخبار ثقات، سیره رایج بین افراد پایبند به شریعت (متشرّعه) در میان اصحاب اهل بیت (ع) بوده است؛ به گونه‌ای که این اخبار را در امور شرعی خودشان، مبنا و معیار استنباط و استدلال فقهی قرار می‌دادند. روش مزبور، در برابر دیدگان معصومین (ع) صورت می‌گرفته و تاکنون ردع معصومین (ع) از این سیره، گزارش نشده است؛ بنابراین عمل به خبر ثقه، مورد تأیید معصومین (ع) است.

نکته: عمل به اخبار ثقات توسط متشرّعه به یکی از دو عنوان زیر می‌تواند باشد: (هر چند تفاوتی در استدلال به واسطه این سیره نمی‌کند)

الف) متشرّعه از سر پایبندی به شریعت، به این سیره عمل می‌کرده‌اند؛ یعنی اعتماد به خبر ثقه و حجّت دانستن آن را از شارع آموخته بوده‌اند و بدین جهت نیازی به احراز عدم ردع معصومین (ع) برای اعتبار بخشیدن به این سیره نیست.

ب) از آنجا که متشرّعه جزئی از عقلا بوده‌اند، طبق روش بقیه عقلا به خبر ثقه اعتماد می‌کردند و از آنجا که از طرف شارع مورد نهی قرار نگرفته‌اند، پس مورد تأیید بوده‌اند.

Sco1 : 9:10

۲. استدلال به سیره عقلانیّه

این استدلال در چهار مرحله تبیین می‌شود:

۱. خصلت عقلا اعتماد و عمل به خبر ثقه است. فراگیری این خصلت در ابعاد مختلف زندگی عقلا است که در دو بخش قابل ذکر است:

الف) در اغراض تکوینی و شخصی؛ یعنی برای تأمین نیازهای شخصی؛ مثل پیدا کردن آدرس مکان‌ها.

ب) در اغراض شریعی و روابط بین رئی‌س و مرئوس؛ یعنی برای تأمین نیازهایی که در حیطه روابط میان آمر و مأمور موجود است. این نیازها در یک فضای طرفینی شکل می‌گیرد که دو طرف آن را آمر و مأمور تشکیل می‌دهند؛ مثلاً برای اطلاع از دستوراتی که به تازگی توسط رئیس اداره صادر شده، به خبر ثقه اعتماد می‌شود.

۲. این خصلت عقلائیه به اندازه ای عمیق است که به شکل میل و عادت همیشگی آنها درآمده است؛ به طوری که اگر عقلا به حال خود واگذاشته شوند و مانعی سر راه آنها نباشد، در روابط خود با شارع نیز طبق همین عادت عمل خواهند کرد و در نهایت، حوزه شریعت نیز از این سیره متأثر خواهد شد.

۳. با توجه به اوصاف گفته شده برای این سیره، اگر شارع اعتماد به خبر ثقه را در حوزه شریعت قبول ندارد، باید سیره عقلائیه را در این حوزه، مورد ردع و نهی قرار دهد؛ چرا که در غیر این صورت، عقلا این سیره را در مورد شریعات نیز به کار خواهند گرفت و بدین ترتیب اهداف و اغراض شارع خدشه‌دار خواهد شد.

۴. با توجه به اوصاف گفته شده برای این سیره و با توجه به اینکه شارع، پیگیر اغراض و اهداف خود است؛ عدم ردع از ناحیه او که با سکوتش قابل احراز است نشان‌دهنده امضاء و تأیید اوست.

Sco2: 23:00

تفاوت بین استدلال به سیره متشرعه با استدلال به سیره عقلائیه

در استدلال به سیره متشرعه، باید تحقق سیره رجوع به خبر ثقه را در بین متشرعین عصر معصومین (ع) اثبات کنیم؛ بنابراین به تحقیق و تفحص نیاز داریم تا به واسطه آن، فعلیت سیره ادعا شده را کشف کنیم؛ اما در استدلال به سیره عقلائیه، نیازی به اثبات فعلیت سیره رجوع به ثقه در بین عقلا نداریم، بلکه کشف میل همگانی عقلا در رجوع به خبر ثقه نیز کافی است؛ چرا که صرف وجود چنین میلی کافی است تا اگر شارع آن را با اغراض خود سازگار نمی‌بیند، در صدد ردع و نهی از آن در وادی شریعت برآید و از نفوذ این گرایش عمومی به حوزه شریعت جلوگیری نماید. بنابراین اگر شارع با وجود علم به چنین میل و گرایشی عقلا را از آن ردع نکند نشان از تأیید او دارد.

Sco3 : 25:19

چکیده

۱. استدلال به سیره برای اثبات حجّیت خبر واحد، از دو راه صورت می‌گیرد: الف) استدلال به سیره متشرعه؛ ب) استدلال به سیره عقلا.

۲. استدلال به سیره متشرعه بر اساس اسنادی است که بر اعتماد و عمل به اخبار ثقات در بین متشرعین از اصحاب معصومین (ع) دلالت کنند. چنین سیره‌ای یا بر اساس آموزه‌های شارع بوده است و یا بر اساس تأیید سیره ع قلا توسط معصومین (ع).

۳. استدلال به سیره عقلائیّه بر اساس میل و عادت عقلا در رجوع به خبر ثقه استوار است. این عادت و منش عقلا به قدری عمیق و فراگیر است که اگر شارع در حوزه شریعت از جریان این سیره نهی نکند، شاهد نفوذ این سیره به حیطة مناسبات شرعی خواهیم بود؛ بنابراین اگر شارع با وجود چنین زمینه‌ای، ردعی از این سیره نداشته باشد، نشان دهنده تأیید آن خواهد بود.

۴. تفاوت استدلال به سیره متشرعه با استدلال به سیره عقلائیّه در این است که در استدلال اول، می‌بایست اعتماد و عمل متشرعه به خبر ثقه را با تحقیق و تفحص کشف کنیم؛ اما در استدلال دوم، همین اندازه کافی است که ثابت کنیم در بین عقلا، میل و عادت فراگیر به چنین روشی وجود دارد؛ بنابراین استدلال دوم مؤونه کمتری نسبت به استدلال اول دارد.